



توراه اور • پاراشاها נח • مامار 3

ביאור על הנ"ל

شرحی بر مطالب پیش گفته



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی ییتسחק

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

[/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/noach/3](https://likuteitorah.com/fa/torah-ohr/noach/3)

1 ביאור על הנ"ל

شرحي بر مطالب پيش گفته.

2 להבין הענין שתפלת הבעל עסק יהיה במדרגה גבוה כו'. צלה"ב [צריך להבין] ענין ירידת הנשמה שהיא הניצוץ אלקות בעוה"ז בגוף ונפש הבהמית להיות טרוד תמיד במחשבות ודאגות הפרנסה בהבלי עוה"ז.

[باید] این مطلب [که پیشتر گفته شد] را فهمید که دعای مرد کسب و کار در مرتبه‌ای والا خواهد بود و الی آخر. برای فهم این مطلب لازم است موضوع نزول روح را دریابیم؛ روحی که جرقه‌ای از الوهیت است و به این جهان، درون جسم و نفس حیوانی (نפש הבהמית, Nefesh HaBahamis) فرود می‌آید تا پیوسته با اندیشه‌ها و نگرانی‌های معاش، در میان پوچی‌های این جهان، گرفتار باشد.

וזهو ירידה גדולה. מההכרח לומר שירידה זו היא צורך עלי' [עליה]. שלאחר שירידה ונתלבשה בגוף ונפש הבהמית תוכל לעלות למעלה מעלה ע"י אהבת בכל מאדך שהוא בלי גבול.

و این نزولی بزرگ است. ناگزیر باید گفت که این نزول برای صعود است: پس از آنکه روح فرود آمده و در جسم و نפש هبهمیت پوشیده شده است، می‌تواند به واسطه عشق «با تمام نیروی خود» (بكل ماأدך, bechol me'odecha)، که بی‌حد و اندازه است، پیوسته بالاتر و بالاتر برود.

כמארז"ל [כמאמר רבותינו זכרונם לברכה] טוב זה מלאך חיים מאד זה מה"מ [מלאך המות] כו' וזהו דוקא ע"י האהבה הבאה מנפש הבהמית

چنان‌که حکیمان ما، که یادشان مبارک باد، گفته‌اند: ««نیک» – این فرشته زندگی است؛ «بسیار» (ماأد, me'od) – این فرشته مرگ است»، و الی آخر. و این [پدید می‌آید] به‌ویژه از راه عشقی که از نפש هبهمیت سرچشمه می‌گیرد.

כמו שאנו רואים למטה שכת הבהמה גדול מכח האדם כמו"כ [כמו כן] למעלה ארז"ל [אמר רבותינו זכרונם לברכה] במקום שבע"ת [שבעלי תשובה] עומדין צדיקים כו'

همان‌گونه که در پایین می‌بینیم نیروی حیوان از نیروی انسان بیشتر است، همین‌طور نیز در بالا: حکیمان ما، که یادشان مبارک باد، گفته‌اند: «در جایگاهی که بازگشت‌کنندگان (בעלי תשובה, baalei teshuvah) ایستاده‌اند، پرهیزگاران کامل [نمی‌توانند بایستند]»، و الی آخر.

והיינו מפני שבחי' בע"ת [בעלי תשובה] הוא בחילא יתיר ובכח והתגברות גדול והיינו מפני שבחי' נפש הבהמית הוא מבחי' עולם התהו.

یعنی، [این امر] از آن روست که مرتبهٔ **בעלי تשובه** با نیرویی افزون‌تر (**בחילא יתיר**, bechila yatir)، با نیرو و شدت بسیار همراه است؛ و علتش آن است که **نפש הבהמית** از مرتبهٔ عالم آشوب (**عולם התהو**, Tohu) است.

3 **ואלה המלכים אשר מלכו וכו'. ובחי' התהו הוא למעלה מבחי' תקון כמ"ש אשר מלכו לפני מלך מלך לבניי [לבני ישראל] שהוא בחי' התיקון.**

«و اینانند پادشاهانی که فرمانروایی کردند»، و غیره. و مرتبهٔ آشفتگی (**תהو**, Tohu) از مرتبهٔ اصلاح (**תיקון**, Tikun) بالاتر است؛ چنان‌که نوشته شده است: «که پیش از آن‌که هیچ پادشاهی بر بنی‌اسرائیل فرمانروایی کند، فرمانروایی کردند»؛ و این همان مرتبهٔ **תיקון** است.

ולהבין כ"ז [כל זה] הגה איתא במדרש בתחלה עלה במחשבה לברוא את העולם במדה"ד [בمדת הדין] رאה שאין העולם מתקיים שיתף מדה"ר [مدות הרחמים] כו'.

و برای فهمیدن همهٔ این‌ها، در می‌دراش آمده است: «در آغاز، در اندیشهٔ [ה'] چنین گذشت که جهان را با صفتِ داوری بیافریند؛ دید که جهان تابِ پایداری ندارد، [پس] صفتِ رحمت را به آن پیوست»، و غیره.

ואין הפי' כמו שהעולם סוברין שמדה"ד [שמדת הדין] הוא בחי' צמצום ומגיעת ההשפעה. כי הרי בחי' גבורה היא אחת ממדותיו ית'.

اما مقصود این نیست، چنان‌که مردم معمولاً می‌پندارند، که صفتِ داوری جنبهٔ انقباض (**צמצום**, tzimtzum) و بازداشتن فیض باشد؛ زیرا به‌هرحال، **گבורه** یکی از صفاتِ متعالِ اوست،

כמ"ש [ד"ה [דברי הימים] א' כ"ט] לך ה' הגדולה והגבורה שהם עשר ספי' [ספירה / سفירות] דאצי' המחיי' [המחיים] ומהוים מאין ליש.

چنان‌که نوشته شده است (اول تواریخ ۲۹): «ای **ה'**، عظمت و توانایی (**הגבורה**, hagevurah) از آنِ توست»؛ و این‌ها ده مراتبِ تجلی (**سفירות**, Sefiros) در عالمِ صدور (**אצילות**, Atzilus) هستند که حیات می‌بخشند و از نیستی، هستی پدید می‌آورند.

ועוד הנה כתיב (דברים יב) כי הדם הוא הנפש שעיקר חיות האדם הוא הדם. ודם נמשך מבחי' גבורה מדה"ד [מדת הדין].

افزون بر این، نوشته شده است (تثنیه ۱۲): «زیرا خون همان جان است»؛ نیروی حیات (chayus, حیوت) اصلی انسان خون است. و خون از مرتبهٔ **گבורه**، صفتِ داوری، سرچشمه می‌گیرد.

אלא הפי' מדה"ד [מדת הדין] הוא בחי' גבורה לשון תגבורת שכח החיות מאור א"ס בא בהתגברות יותר מבחי' החסד שהוא נמשך למטה מטה

بلکه مقصود از «صفتِ داوری»، مرتبهٔ **گבורه** است؛ واژه‌ای که معنای شدت دارد (تגבורת, tigboros): نیروی حیات از نور بی‌پایان (**اور אין سوف**, Or Ein Sof) با شدتی بیش از آنچه در مرتبهٔ مهر (**חסد**, Chesed) است می‌آید؛ مهری که به پایین و پایین‌تر فروفرستاده می‌شود،

אבל הוא בא בבחי' קרירות. משא"כ בחי' גבורה שבא החיות מאור א"ס בהתגברות רב למאוד.

اما آن با حالتی خنک می‌آید. اما در مرتبهٔ **گבורه** چنین نیست: در آن، نیروی حیات از **اور אין سوف** با شدتی بسیار عظیم می‌آید.

ע"כ ממילא כשבא בדרך השתלשלות למטה נעשה בחי' דין מי שאינו ראוי לקבל ההשפעה אינו יכול לקבל מפני שהחיות נמשך בהתגברות רב.

ازاین‌رو، ناگزیر، هنگامی که این نور به‌واسطهٔ زنجیرهٔ نزولِ عوالم (**השתלשלות**, hishtalshelus) به پایین می‌آید، جنبهٔ داوری پیدا می‌کند: آن‌که شایستگی دریافتِ فیض را ندارد نمی‌تواند آن را دریافت کند، زیرا نیروی حیات با شدتی عظیم فروفرستاده می‌شود.

משא"כ בחי' חסד שבא החיות בקרירות יוכל למשוך ולהתפשט למטה مטה אבל בחי' גבורה הוא החיות בהתגברות בחי' ז' ملכים وهوا عולם התהו שלכן נק' י"ס [י' سفירות] בעולם התהו בשם ملכים:

اما در مرتبهٔ مهر (**חסد**, Chesed)، نیروی حیات (**حیوت**, chayus) با خنکی می‌آید؛ ازاین‌رو می‌تواند به پایین و پایین‌تر کشیده شود و گسترش یابد. اما مرتبهٔ قید و سخت‌گیری (**گבורه**, Gevurah)، نیروی حیاتِ همراه با شدت است؛ مرتبهٔ هفت پادشاه که همان عالمِ **تهو** (**عולם התהو**, Tohu) است. ازاین‌رو، ده مرتبهٔ تجلی (**سفירות**, Sefiros) در عالمِ **تهو** «پادشاهان» نامیده می‌شوند.

4 ועפ"י [ועל פי] הקבלה מבואר שבחי' התהו הוא רבוי האור ומיעוט כלים. ובחי' התקון הוא בהיפוך.

פירוש רבוי אור שהאור והחיות בא בהתגברות רב

بر پایه قبلا توضیح داده شده است که مرتبة תהו (Tohu؛ [آشفته‌گی]) نور فراوان و ظرف‌های اندک دارد، و مرتبة תקון (Tikkun؛ [اصلاح]) برعکس آن است. «نور فراوان» یعنی نور و نیروی حیات با شدتی بسیار می‌آیند.

כי כל הי"ס [הי' ספירות] היו בתגבורת רב כמו בחי' חסד הי' [היה] מדת חסד בהתגברות רב וכן כל הי"ס [הי'

ספירות] וגם

זیرا هر ده مرتبة تجلی (سپירות, Sefiros) با شدتی بسیار بودند؛ برای نمونه، در مرتبة مهر (חסד, Chesed)، صفت حסד با شدتی بسیار بود، و به همین‌سان هر ده سپירות. و نیز،

לכן לא היה התכללות המדות להיות כלול חו"ג [חסד וגבורה] מפני שכל בחי' ומדה היה בכח והתגברות רב.

ازاین‌رو، درهم‌گنجیدن صفات عاطفی (مדות, middos) رخ نداد [چنان‌که هر یک] از مهر و قید و سخت‌گیری (גבורה, Gevurah) ترکیب شده باشد؛ زیرا هر مرتبه و هر صفت با نیرویی بسیار و شدتی عظیم بود.

لכן לא היה יכול להתכלל עם הפוכו והיה כל מדה בפני עצמה וזהו שראה שאין העולם מתקיים

بنابراین، [هر یک] نمی‌توانست با ضدّ خود درآمیزد و هر صفت به‌تنهایی بود. و این [معنای] «دید که جهان پایدار نمی‌ماند» است،

כי מזה אינו יכול להיות תקון עולם ולצורך תקון עולם הוצרך להיות בחי' תיקון היינו בחי' קוין התכללות המדות זה בזה

زیرا از این وضع، اصلاح جهان ممکن نیست. و برای اصلاح جهان لازم بود مرتبة תקון پدید آید؛ یعنی مرتبة «خطوط»، یعنی درهم‌گنجیدن صفات با یکدیگر.

وهוא בחי' רבוי כלים ומיעוט האור שהאור וחיות אינו בא בהתגברות רק בחי' חסד בקרירות ולזה יכול

להיות התכללות חו"ג [חסד וגבורה] שני הפכים

و این مرتبة ظرف‌های بسیار و نور اندک است؛ نور و نیروی حیات با شدت نمی‌آیند، بلکه [به‌صورت] مرتبة حסد، با خنکی؛ و ازاین‌رو، درهم‌گنجیدن مهر و غבורה، که دو ضدّند، ممکن است.

וכמארז"ל [וכמאמר רבותינו זכרונם לברכה] (בפ"ה דאבות) להודיע כמה ארך אפים לפניו שכל הדורות היו מכעיסין ובאין עד שבא אברהם אבינו כו'.

چنان‌که حکیمان ما، که یادشان گرامی باد، گفته‌اند (در فصل پنجم آووت (آבות)): «تا آشکار شود که شکیبایی در پیشگاه او تا چه اندازه است؛ زیرا همهٔ نسل‌ها پیوسته او را به خشم می‌آوردند، تا آن‌که ابراهیم، پدر ما (آברהם)، آمد، و الی آخر.

שמחמת שאין המדה בא בהתגברות נמשך להיות א"א וסבלנות. ואדרבה יכול להיות שני הפכים בתכלית

زیرا چون صفت با شدت نمی‌آید، بردباری و شکیبایی پدید می‌آید. برعکس، دو ضدّ کاملاً متقابل می‌توانند [با هم] باشند،

כמו שמצינו בבנין בהמ"ק [בית המקדש] שהיתה השמחה גדולה עד מאד כשאמר שלמה שיר השירים שלא היתה מיום בריאת העולם.

چنان‌که در ساختِ معبد مقدس می‌یابیم: شادی بسیار عظیمی بود، هنگامی که سلیمان (שלמה) سرودِ سرودها را گفت؛ [شادی‌ای] که از روزِ آفرینشِ جهان نظیرش نبوده است.

וכמ"ש (ملכים א ח) כי מלא כבוד ה' את בית ה'. שבא האש מלמעלה היינו בחי' גילוי השכינה למטה
و چنان‌که نوشته شده است (اول پادشاهان 8): «زیرا جلالِ ה' خانهٔ ה' را پر کرد»: آتش از بالا آمد؛ یعنی مرتبۀ تجلّی حضورِ الهی (שכינה, Shechinah) در پایین.

נמצא שהי' [שהיה] השמחה רבה מאד ועל אותו הפרק נאמר (ירמיה לב) כי על אפי ועל חמתי היתה לי העיר הזאת למן היום אשר בנו אותה.

پس شادی بسیار عظیم بود؛ و دربارهٔ همان زمان گفته شده است (ارمیا 32): «زیرا این شهر از روزی که آن را بنا کردند، برای من [مایۀ] خشم و غضبم بوده است»،

ממה שלקח בת פרעה כו'. נמצא שהיו ב' הפכים יחד בעת ובזמן אחד והיינו ע"י ששיתף מדת הרחמים ונעשה

به‌سببِ آن‌که دخترِ فرعون را به همسری گرفت و غیره. پس دو امرِ متضاد در یک زمان و یک لحظه با هم بودند. و این از آن رو بود که او صفتِ رحمت را درآمیخت و پدید آمد

עולם התקון יכול להיות התכללות המדות זב"ז [זה בזה] שמאחר שאין המדה והתגלותה הולך ברבוי ובתגבורת האור א"כ הכלי היתה יכולה להכיל גם ב' הבחי' יחד.

עالم سامان یافتگی (عולם התקון, Tikkun), [که در آن] صفات می‌توانند در یکدیگر درآمیزند: از آن‌جا که صفت و تجلی آن با وفور و شدت نور پیش نمی‌روند، ظرف می‌توانست هر دو جنبه را با هم در خود جای دهد.

5 והנה נשמת האדם הוא מבחי' אצילות עולם התקון ולכן הנשמה כלולה מכל המדות כמבואר בתניא

اکنون، روح انسان از مرتبه عالم صدور (אצילות, Atzilus)، عالم اصلاح (התקון, Tikkun) است؛ از این‌رو، روح همه صفات عاطفی (مדות, middos) را دربر دارد، چنان‌که در تانیا (תניא) توضیح داده شده است.

משא"כ המלאכים שרשם מבחי' עולם התהו מחנה מיכאל מוחנה גבריאל כל א' קו בפ"ע [בפני עצמו].
מחנה מיכאל הוא רק בחי' אהבה בהתגברות מאד.

اما فرشتگان چنین نیستند؛ ریشه آنان از مرتبه عالم آشوب (התהו, Tohu) است: اردوگاه میخائیل (מיכאל) و اردوگاه گاورئیل (גבריאל)، که هر یک خطی جداگانه‌اند. اردوگاه میخائیل فقط مرتبه عشق است، آن هم با شدتی بسیار.

ومחנה גבריאל הוא רק בחי' יראה בהתגברות רב שר של מים שר של אש. ומזה נמשך בחי' מרכבה פני
אריה אל הימין פני שור וכו'.

و اردوگاه گاورئیل فقط مرتبه هیبت است، آن هم با شدتی بسیار: سرور آب، سرور آتش. و از این، مرتبه ارابه پدید می‌آید: «چهره شیر در سمت راست»، «چهره گاو» و غیره.

6 והנה بنשמת האדם ארז"ל [אמרו רבותינו זכרונם לברכה] ג' שותפין באדם הקב"ה נותן בו נשמה. וחיות נפש

הבהמות ועופות הם מבחי' פני ארי' [אריה] פני שור כו'

اکنون درباره روح انسان، حکیمان ما، که یادشان مبارک باد، فرموده‌اند: «در وجود انسان سه شریک‌اند... ه' در او روحی می‌نهد.» و نیروی حیات (חיות, chayus) نفس حیوانات و پرندگان از مرتبه «چهره شیر»، «چهره گاو» و مانند آن است،

ومקורם מעולם התהו ולזה נאמר על האדם אחר וקדם צרתני שמצד בחי' התקון בהשתלשלות בחי' אדם הוא במדרגה גבוה יותר.

و سرچشمه آنها از عالم توهو (عולם התהו, Tohu) است. از این‌رو درباره انسان گفته شده است: «از پشت و پیش مرا صورت بخشیدی»: از منظر مرتبه اصلاح (תקון, Tikkun)، در زنجیره نزول عوالم (השתלשלות, hishtalshelus)، مرتبه انسان از جایگاهی بالاتر برخوردار است.

שבחי' הבהמות נפלו למטה מטה מאד מאד משא"כ במקורם הם במדרגה גבוה יותר שהם מבחי' עולם התהו לפני מלך מלך כו' כנודע.

זיכרונות بسیار، بسیار به پایین فرو افتادند؛ حال آنکه در سرچشمه خود در مرتبه‌ای بالاتر قرار دارند، چراکه از مرتبه عالم توهو هستند، «پیش از آنکه هیچ پادشاهی فرمانروایی کند» و مانند آن، چنان‌که دانسته است.

7 ואי לזאת האהבה הבאה מצד נפש הבהמית הוא למעלה מעלה בחי' בכל מאדך שלמעלה מהכלי מפני שהוא בחילא יתיר שבאה בהתגברות רב ששרש נפש הבהמית הוא מבחי' התהו כנ"ל.

بنابراین، عشقی که از جانب نفیس حیوانی (نפש הבהמית, Nefesh HaBahamis) می‌آید، بسیار والا است؛ این همان مرتبه «با همه توانت» است که فراتر از ظرف قرار دارد، زیرا با نیرویی افزون‌تر (בחילא יתיר, bechila yatir) و با شدت بسیار پدید می‌آید؛ چراکه ریشه نفیس حیوانی از مرتبه تهو (Tohu؛ [عالم آشوب آغازین]) است، چنان‌که [در بالا] توضیح داده شد.

רק שנפלה בשבה"כ [בשבירת הכלים] למטה مטה מאד בעבודה גשמית להיות נפרדים אבל כשנברר ועולה למעלה בתפלה אזי הוא בהתגברות רב אהבת בכל מאדך

تنها، نفیس حیوانی در اثر شکستن ظرف‌ها بسیار بسیار پایین افتاد، تا در خدمت جسمانی باشد و [موجوداتی] جداگانه شود؛ اما هنگامی که پالوده می‌شود و در دعا به بالا برمی‌آید، آنگاه شدت عظیمی دارد: عشق «با همه توانت».

وكمארז"ל [وكمאמר רבותינו זכרונם לברכה] והאי דלא אמינא לך באורתא דלא אכלי בישראל דתורא כו' נמצא שמאכל הפשר נותן כח ותוספ' מוחין באדם וכמ"ש ויין ישמח לבב אנוש.

و چنان‌که حکیمان ما، یادشان گرامی، گفتند: «و علت اینکه شب این را به تو نگفتم، آن بود که گوشت گاو نر نخورده بودیم»، و الی آخر. پس خوردن گوشت به انسان نیرو و قوای عقلانی افزوده (موحין, mochin) می‌دهد؛ و چنان‌که نوشته شده است: «و شراب دل انسان را شاد می‌کند».

8 ועכ"ז [ועם כל זה] למטה האדם במדרגה גבוה יותר מהם ואין ערוך כו' אבל בשרשם הם למעלה מבחי' האדם שהם מעולם התהו. ועפ"י [ועל פי] הקבלה נק' יתרון האור מתוך החשך דוקא.

و بالاین‌همه، در مرتبه پایین، انسان از آنها در مرتبه‌ای بالاتر است و میان‌شان هیچ قیاسی نیست، و غیره؛ اما در ریشه خود، آنها از مرتبه انسان بالاترند، زیرا از عالم توهو (عולם התהو, Tohu) هستند. و بنا بر قبلا (קבלה, Kabbalah)، این را «برتری نور [که] از دل تاریکی [پدید می‌آید]» می‌نامند، به‌خصوص.

והיינו ע"י ההתבוננות בתפלה איך שטרוד כל היום ורודף אחר פרנסתו מזון ולחם שחיותן הוא מהמזלות

یعنی از راه تأمل در دعا: اینکه او سراسر روز گرفتار است و در پی معاش، خوراک و نان می‌دود، و نیروی حیات (حיות، chayus) آنها از برج‌های فلکی (مזלות، mazalos) است،

כמארז"ל [כמאמר רבותינו זכרונם לברכה] אין לך עשב למטה שאין לו מזל כו' והמזלות נמשכים מבחי' הע' [השבעים] שרים והשרים מקבלים משמרי האופנים והאופנים מקבלים מבחי' מלכות כמ"ש מלכותך מכ"ע [מלכות כל עולמים].

چنان‌که حکمای ما، یادشان مبارک، گفته‌اند: «هیچ تیغۀ علفی در پایین نیست مگر آنکه برج فلکی‌ای دارد»، و غیره. و برج‌های فلکی از مرتبۀ هفتاد امیر امتداد می‌یابند، و امیران از نگهبانانِ اوفانیم (اوپنیم، Ofanim) [طبقه‌ای از فرشتگان] دریافت می‌کنند، و اوفانیم از مرتبۀ فرمانروایی (ملכות، Malchus) دریافت می‌کنند، چنان‌که نوشته شده است: «فرمانروایی تو بر همهٔ عوالم است.»

אבל לגבי מהותו ועצמותו אין ערוך שהוא רק בחי' זיו והארה בלבד וזהו ענין מאמר ר' [רבי] עקיבא אם לעוברי רצונו כך לעושי רצונו עאכ"כ [על אחת כמה וכמה].

اما در برابر ذات و حقیقت او هیچ نسبتی نیست، زیرا آن تنها پرتویی و فروغی بیش نیست. و این مقصود سخنِ ربی عقیوا (رבי عקיבא) است: «اگر برای کسانی که از خواست او سرپیچی می‌کنند چنین است، پس برای کسانی که خواست او را انجام می‌دهند، به مراتب بیشتر!»

ששם הוא התענוג עד אין קץ וכמ"ש הודו על ארץ ושמים שבחי' ארץ ושמים ממלא וסובב הם רק בחי' הוד וזיו משא"כ לבני ישראל עם קרובו לבחי' מהותו ועצמותו ית'.

زیرا در آنجا لذتی بی‌پایان است. و چنان‌که نوشته شده است: «شکوه او بر زمین و آسمان است»؛ مرتبۀ زمین و آسمان، یعنی [نوری که] همهٔ عوالم را پر می‌کند (مמלא כל עלמין، memalei kol almin) و [نوری که] آنها را فرا می‌گیرد (סובב כל עלמין، sovev kol almin)، تنها مرتبۀ شکوه و فروغ است؛ اما دربارهٔ «بنی اسرائیل، قوم نزدیک او»، چنین نیست: آنان [نزدیک] به مرتبۀ ذات و حقیقت او، متعال، هستند.

מזה תתלהב נפשו בהתגברות בחילא יתיר בתשוקה וחפיצה לדבקה בו ית' וכמ"ש מי לי בשמים ועמד לא חפצתי כו'.

از این تأمل، جانی او با شور و نیرویی افزون‌تر (בחילא יתיר، bechila yatir) شعله‌ور خواهد شد، با اشتیاق و میلی برای پیوستن به او، متعال؛ چنان‌که نوشته شده است: «چه کسی را در آسمان دارم؟ و جز تو هیچ نمی‌خواهم»، و غیره.

9 וזהו ברוך אתה מלך העולם אשר קדשנו במצותיו כו' שמה שנשפע ונמשך למטה להיות ממלא וסובב הוא בחי' מלך העולם ומלכותו בכל משלה.

و این [مقصود عبارت] «متبارک هستی تو... پادشاه جهان، که ما را به فرمان‌هایش تقدیس کرده است» و الی آخر است: آنچه افاضه می‌شود و به پایین کشیده می‌شود تا [نوری باشد که] [همه عوالم] را پر می‌کند—یعنی **مמלא כל עלמין** (نوری که همه عوالم را پر می‌کند، memalei kol almin)—و [نوری باشد که] [همه عوالم] را فرا می‌گیرد—یعنی **סובב כל עלמין** (نوری که همه عوالم را فرا می‌گیرد، sovev kol almin)—مرتبه (**בחינה**, bechinah) «پادشاه جهان» و «فرمانروایی‌اش بر همه حکم می‌راند» است.

אבל אהבת ותשוקת נש"י [נשמות ישראל] לדבקה בו ית' במהותו ועצמותו אשר קדשנו אשר הוא בחי' תענוג העליון עד אין קץ לשון באשרי כו'. קדשנו במצותיו כו' שע"י המצות הם ממשיכים מענג העליון כמו טלית וכו'.

اما عشق و اشتیاق ارواح بنی‌اسرائیل برای پیوستن به او، که متبارک است، در ذات و حقیقتش، [عبارت است از] «آن‌که (**اשר**, asher) ما را تقدیس کرده است»؛ زیرا **اשר**، **בחינה**‌ای از لذت برین بی‌انتهای (**תענוג**, taanug) است؛ واژه‌ای [چنان‌که در تعبیر] «در بهروزی‌ام» (**بאשרی**, be'oshri) آمده است و الی آخر. «آن‌که ما را به فرمان‌هایش تقدیس کرده است» و الی آخر؛ زیرا به‌واسطه فرمان‌های الهی (**מצוות**, mitzvos)، از **תענוג העליון** به پایین می‌کشاند؛ برای نمونه، ردای نماز (**טלית**, tallis) و غیره.

10 וזהו כי מי נח זאת לי כי שעבוד הפרנסה כנז"ל [כנזכר לעיל] הוא בחי' מי נח כמו שהי' [שהיה] במבול שאין הפי' שהי' [שהיה] המבול להעביר הרשעים מן העולם.

و این [معنای] عبارت «زیرا این برای من همچون آب‌های نوح (**נח**) است» است: زیرا بندگی تأمین معاش، چنان‌که پیش‌تر گفته شد، مرتبه «آب‌های نوح» (**بחינה**, bechinah) است؛ همان‌گونه که در طوفان بود. مقصود این نیست که طوفان برای آن بود که بدکاران را از جهان براند،

כי לזה לא הי' [היה] נצרך המבול מים כי ברגע אחת הי' [היה] נעשה.

زیرا برای این کار، طوفان آب لازم نبود؛ چون می‌شد آن را در یک لحظه انجام داد.

11 וכמ"ש בפרעה ותכחד כו'. רק המבול הי' [היה] כדי לטהר העולם כי בתחלה ותמלא הארץ חמס כו'.

چنان‌که درباره فرعون (**פרעה**) نوشته شده است: «و تو از میان برداشته می‌شدی»، و غیره. بلکه طوفان برای تطهیر جهان بود، زیرا در آغاز، «زمین از ستم پر شده بود» و غیره.

שהם המשיכו קליפות כו'. שלזה הי' [היה] צריך לטהר העולם ע"י בחי' מים המטהרים והוא בחי' גשם גבורות גשמים שהוא מבחי' התהו שכשנמשך הגשמים בסדר והדרג' [והדרגה] הוא בחי' חסד ומצמיח זרעים כו'.

זیرא آنان پوسته‌ها (קליפות, kelipos) را به پایین کشاندند و غیره. از این رو لازم بود جهان به واسطه مرتبه آب‌های تطهیرکننده پاک شود؛ و این مرتبه باران است، «توان‌های نیرومند باران» (گבורות گشמים, gevuros geshamim)، که از مرتبه عالم آشوب (תהו, Tohu) است. زیرا هنگامی که باران‌ها با نظم و به‌تدریج فرود آورده می‌شوند، این مرتبه مهر (חסד, Chesed) است و دانه‌ها را می‌رویاند و غیره.

משא"כ המבול שהיו יורדים בגבורה היינו בהתגבורות רב ובכח גדול שהוא מבחי' עולם התהו חסד דתהו לטהר הארץ הוצרך להיות הארה מבחי' עולם התהו שלמעלה מבחי' תקון רק שהי' [שהיה] הארה רבה ועצומה בהתגבורות רב מבחי' התהו.

اما درباره طوفان چنین نبود: [آب‌هایش] با قید و سخت‌گیری (گבורה, Gevurah) فرود می‌آمدند؛ یعنی با شدتی عظیم و نیرویی بسیار، که از مرتبه عالم تهاو، از مهر تهاو بود. برای تطهیر زمین لازم بود پرتویی از مرتبه عالم تهاو پدید آید؛ مرتبه‌ای که از مرتبه سامان‌یافتگی (تקון, Tikkun) بالاتر است. فقط این‌که آن پرتو فراوان و عظیم بود و با شدتی بسیار از مرتبه تهاو می‌آمد.

12 ولזה וימח את כל היקום שלא היו ראויים לקבל. וזהו ויכסו ההרים חמש עשרה אמה כו'

پس «تمام هستی را محو کرد»، زیرا شایسته دریافت [آن] نبودند. و این [معناي] «و کوه‌ها پوشیده شدند... پانزده ذراع»، و غیره است.

פי' הרים הוא בחי' תקון התכללות המדות כאברהם שקראו הר כו'. והטרדות ומחשבות עוה"ז מנפש הבהמית הם ג"כ מבחי' עולם התהו ונק' מי נח כו':

«کوه‌ها» به مرتبه سامان‌یابی (תיקון, Tikkun)، یعنی درهم‌تنیدگی متقابل صفات عاطفی (مדות, middos) اشاره دارد؛ چنان‌که [در مورد] ابراهیم (آברהם)، که آن را «کوه» نامید، و غیره. و دل‌مشغولی‌ها و اندیشه‌های این جهان که از نفیس حیوانی (نפש הבהמית, Nefesh HaBahamis) سرچشمه می‌گیرند، آن‌ها نیز از مرتبه عالم توهو (عולם התהو, Olam HaTohu) هستند و «آب‌های نوح» (נח) نامیده می‌شوند، و غیره.

13 וזהו ויאמר ה' לנח בא אתה וכל ביתך אל התבה. תבה הוא בחי' צירופי אותיות

و این [معنای] «و ה' به نوح (נח) گفت: "تو و همه اهل خانهات به درون کشتی (تבה, teivah) بیا."» است. تבה مرتبه ترکیب‌های حروف است،

כי נח הוא בחי' שבת כתרگومو וישבת ונח כו'. ואין הפי' שביתה בעצם רק כאדם ששובת ממלאכתו.

زیرا نوح مرتبه روز استراحت (שבת, Shabbos) است؛ چنان‌که ترجمه آرامی آن (תרگومو, Targum)، «و از کار بازایستاد» (ویشבת, vayishbos) را به «و آرام گرفت» (ונח, venach) [ترجمه می‌کند]، و مانند آن. اما مقصود، توقف ذاتی نیست، بلکه مانند شخصی است که از کار خود استراحت می‌کند.

14 וכמ"ש ונوح בחמשה עשר כו' שביתה אחר מלחמה כו' בחי' נח ניחא דרוחא ויש ב' בחינות נח ב' בחי'

שבת שבת תתאה ושבת עלאה يوم שכולו שבת. ובחי' תפלה נק' ג"כ בחי' נח בחי' שבת.

و چنان‌که نوشته شده است: «و در پانزدهم آرام گرفتند» و غیره؛ آرامش پس از جنگ و غیره، مرتبه آرامش (נח, nach)، آرامش روح (ניחא דרוחא, naycha d'rucha). دو مرتبه آرامش (נח) هست، دو مرتبه شب‌ات (شب‌ات, שבת, Shabbos): شب‌ات فرودین و شب‌ات برین، «روزی که سراسر شب‌ات است». و مرتبه دعا نیز مرتبه آرامش و مرتبه شب‌ات نامیده می‌شود.

15 וכל תפלות החול מתעלים בשבת כי בשבת הוא עליות העולמות שכל ששת ימי המעשה הוא בירורי

רפ"ח נצוצין בחי' מלי' שיורדת בבי"ע ורגלי' [ורגליה] יורדות כו'. ויש בזה עתים שונים כמו חצות לילה.
و همه دعا‌های روزهای هفته در **سבת** (Shabbos) تعالی می‌یابند، زیرا در **سבת** عوالم صعود می‌کنند. زیرا هر شش روز کار، زمان پلاایش ۲۸ جرعه است؛ مرتبه فرمانروایی (ملכות, Malchus) که به [عوالم] آفرینش (بریاה, Beriah)، صورت‌بخشی (יצירה, Yetzirah) و عمل (عשיה, Asiyah) فرود می‌آید؛ «پاهایش فرود می‌آیند» و غیره. و در این کار، زمان‌های گوناگونی هست، مانند نیمه‌شب.

16 וכל ו' ימי המעשה הוא בחי' השפעות ויאמר אלקים יהי אור כו' יהי רקיע. ובשבת מתעלים بی"ע

בבחי' אצי' בחי' תקון

و تمام شش روز کار، مرتبه افاضه‌هایی هستند که با گفتارهایی چون «و **אלקים** (אלקים, Elokim) گفت: «روشنایی پدید آید» و «سپهر پدید آید» صورت می‌گیرند. و در روز **سבת** (Shabbos)، عوالم **بریاה** (Beriah)، **יצירה** (Yetzirah) و **عשיה** (Asiyah) به مرتبه عالم صدور (אצילות, Atzilus) ارتقا می‌یابند؛ مرتبه **תיקון** (Tikkun [سامان‌یافتگی])،

כי איהו וחיהו חד [איהו] וגרמוהי חד פי' חיהו אורות וגרמוהי כלים הכל חד בהון

זیرא «او و نیروی حیاتش یکی‌اند، او و ظرف‌هایش یکی‌اند»؛ یعنی **חיהו** (chayohi [نیروی حیات او]) همان نورها است و **גרמוהי** (garmohi [ظرف‌های او]) همان ظرف‌ها هستند؛ همه در آنها یکی است.

וכמ"ש לך ה' הגדולה והגבורה שבבחי' אצי' בחי' גדולה וגבורה הם בבחי' לך ומיוחדים בתכלית בחי' תקון.

و چنان‌که نوشته شده است: «ای ה'، بزرگی و توانایی از آن توست»؛ در مرتبه **אצילות**، مراتب بزرگی و توانایی در مرتبه «از آن تو» قرار دارند و به‌غایت یگانه‌اند؛ این مرتبه **תיקון** است.

17 **וכמו"כ [וכמו כן] בתפלה ג"כ כל המעשה אשר יעשה בכל יום במזון או אפי' [אפילו] ת"ת [תלמוד תורה]**

מתעלה בתפלה ע"י אהבת בכל מאדך.

همچنین در نماز، همه کارهایی که انسان هر روز انجام می‌دهد، چه در خوردن و چه حتی [در] مطالعه تورات، به‌واسطه عشق «با تمامی توانت» تعالی می‌یابد.

וזהו שבת תתאה שמתעלים בי"ע בבחי' אצי'. אך לע"ל [לעתיד לבוא] יהיה יום שכולו שבת פי' שיתעלה בבחי' אצי' למעלה מעלה ולא

و این شب‌ات فروتر است که در آن عوالم آفرینش (**ברیאה**, Beriah)، صورت‌بخشی (**יצירה**, Yetzirah) و عمل (**עשיה**, Asiyah) به مرتبه عالم صدور (**אצילות**, Atzilus) تعالی می‌یابند. اما در روزگار آینده، «روزی که سراسر شب‌ات است» خواهد بود؛ یعنی مرتبه **אצילות** بالاتر و بالاتر تعالی خواهد یافت، و نه

כמו עתה שאחר שבת נצרך להיות חול היינו שבחי' אצי' מברר בי"ע ולע"ל [ולעתיד לבוא] יתעלה בבחי' אצי' ולא יהי' [יהיה] נצרך עוד לברר בי"ע

چنان‌که اکنون، پس از شب‌ات باید روزی عادی در پی آید؛ یعنی مرتبه **אצילות** عوالم آفرینش، صورت‌بخشی و عمل را پالایش می‌کند؛ اما در روزگار آینده مرتبه **אצילות** تعالی خواهد یافت و دیگر نیازی نخواهد بود که عوالم آفرینش، صورت‌بخشی و عمل پالایش شوند،

כי רוח הטומאה אעביר ויבולע המות כו' אשת חיל עט"ב [עשרת בעלה] ונקבה תסובב גבר וכמבואר במ"א וד"ל [ודי למבין]:

زیرا «روح ناپاکی را از میان خواهیم برد» و «مرگ را فرو خواهد بلعید» و جز این؛ «زنی بافضیلت تاج شوهر خویش است» و «زن، مرد را دربر خواهد گرفت»، چنان‌که در جای دیگر توضیح داده شده است؛ و این برای اهل فهم کافی است.

18 וזהו פי' הפסוק מים רבים הם טרדות עוה"ז שהם מבחי' עולם התהו ונהרות הם המחשבות שנמשכו כמי נהר דנידי ואזלי

و این است تفسیر آیه: «آب‌های بسیار» دل‌مشغولی‌های این دنیا هستند که از مرتبهٔ عالم تهاو (Tohu [عالم بی‌سامانی]) سرچشمه می‌گیرند؛ و «رودها» اندیشه‌هایی هستند که همچون آب رودخانه جریان می‌یابند، آبی که پیوسته در حرکت است و روان می‌رود،

כי בבחי' התהו יש ג"כ ב' בחי' מים ונהרות לא יוכלו לכבות את האהבה הבאה מכח נפש האלקית בהתגברות ועמך לא חפצתי וכו':

زیرا در مرتبهٔ تهاو نیز دو مرتبه هست: آب‌ها و رودها؛ [باین‌حال، آن‌ها] «نمی‌توانند عشق را خاموش کنند»، عشقی که با شدت از نیروی نفیس الهی (نפש האלקית, Nefesh Elohis) برمی‌خیزد: «و جز تو هیچ نمی‌خواهم» و الی آخر.

19 אם יתן איש את כל הון ביתו באהבה בוז יבוזו לו. פי' ביתו הוא בחי' חכ' [חכמה] בחכמה יבנה בית.

«اگر کسی همهٔ ثروت خانه‌اش را در برابر عشق بدهد، به‌تمامی خوار شمرده خواهد شد.» مقصود از «خانه‌اش» مرتبهٔ حکمت (Chochmah, חכמה) است؛ [چنان‌که آمده است]: «خانه با حکمت بنا می‌شود.»

הון ביתו הוא פנימיות כמ"ש בדעת חדרים ימלאו כל הון יקר ונעים והוא בחינת טעמי התורה והוא בחינת ג"ע [גן עדן] העליון ותחתון ואורייתא מחכמה נפקת.

«ثروت خانه‌اش» بُعد درونی (پنیمיות, pnimiyus) است، چنان‌که نوشته شده است: «و حجره‌ها با شناخت، از هر ثروت گران‌بها و دلپذیر پر می‌شوند»؛ و این مرتبهٔ دلایل تورات است، و این مرتبهٔ گان عدن برتر و فروتر (باغ عدن) است؛ و «تورات از حکמה سرچشمه می‌گیرد.»

20 ואם יתן איש בחי' איש מלחמה שלהיות בחינת חכמה להיות נהנין מזיו השכינה בבחי' השגה הוא רק בחי' זיו והארה בלבד והוא

«اگر مردی بدهد» - مرتبهٔ «مرد جنگ»: زیرا [توانایی] داشتن مرتبهٔ حکمت (Chochmah, حכמה)، برای لذت‌بردن از فروغ حضور الهی (שכינה, Shechinah) به‌صورت فهم، تنها پرتویی و درخششی بیش نیست؛ و این

ע"י בחי' איש מלחמה הוא רבוי הצמצומים עד שיוכל להיות בחינת חכמה זיו השכינה אבל בחי' אהבה הנ"ל ועמך לא חפצתי כו'.

به‌واسطهٔ مرتبهٔ «مرد جنگ» است، که همان انقباض‌های بسیار (צמצומים, tzimtzumim) است، تا آنجا که مرتبهٔ حکمت و فروغ حضور الهی بتواند وجود یابد. اما مرتبهٔ عشق یادشده در بالا [این است]: «و جز تو هیچ نخواسته‌ام»، و الی آخر:

שלא ע"מ [על מנת] לקבל פרס היינו עוה"ב [עולם הבא] ג"ע [גן עדן] העליון וכו' כ"א ועמך למהותו ועצמותו ית' אליו ולא למדותיו.

נה به قصد دریافت پاداش – یعنی عالم آینده، **גן עדן העליון**، و غیره – بلکه «تو» (ועמך, ve'immecha), یعنی به ذات و وجود او، که متبارک باد؛ به سوی او و نه به سوی صفاتش.

21 ואיך יוכל למשוך בחי' מהותו ועצמותו. הוא ע"י המצות כי תרי"ג מצות דאורייתא וז' מצות דרבנן הם תר"ך עמודי אור גימטי' [גימטריא] כתר.

و چگونه می‌توان مرتبه ذات و هستی او را به پایین کشاند؟ این کار از راه **מצות** (mitzvos [فرمان‌ها]) است؛ زیرا ۶۱۳ **מצות** تورات و هفت **מצות** ربّانی، در مجموع ۶۲۰ ستون نورند؛ عدد اِبجدي تاج (כתר, Keser).

שכמו שהעמוד הוא מלמעלה למטה כמו"כ [כמו כן] המצות הם מבחי' גלגלתא בחי' כתר הממוצע בין מאציל לנאצלי' [לנאצלים] כי איך יכול למשוך ממהותו ועצמותו ית' למטה הוא ע"י המצות רמ"ח אברין דמלכא

زیرا همان‌گونه که یک ستون [از بالا به پایین امتداد می‌یابد]، **מצות** نیز از مرتبه **גלגלתא** (Gulgaltā [جمعه])، یعنی مرتبه **כתר**، هستند؛ مرتبه‌ای که میان فیض‌بخش و فیض‌یافتگان واسطه است. زیرا چگونه می‌توان از ذات و هستی او، متبارک است، چیزی را به پایین کشاند؟ این کار از راه **מצות** است، «۲۴۸ اندام پادشاه».

וכמ"ש וימינו תחבקני כמשל החובק את האדם מחמת אהבת פנימיותו שהוא חכם ביותר וכדומה רק שאינו יכול לתפוס אותו כ"א

و چنان‌که نوشته شده است: «و دست راستش مرا در آغوش می‌گیرد»؛ مانند کسی که شخصی را از سر محبت به باطن وجودش در آغوش می‌گیرد، زیرا او بسیار خردمند است و مانند آن؛ باین‌همه، نمی‌تواند او را دریابد مگر

ע"י הגוף ואבריו כמו כן כביכול ע"י המצות רמ"ח פקודין יכולים להמשיך מהו"ע [מהותו ועצמותו] שהם רצונו ית'.

از راه بدن و اندام‌هایش. به همین ترتیب، به اصطلاح، از راه **מצות**، یعنی ۲۴۸ فرمان، می‌توان ذات و هستی او را به پایین کشاند؛ زیرا آن‌ها اراده اویند، و او متبارک است.

22 וזהו לאשתאבא בגופא דמלכא הוא בחי' המצות וזהו שאנו אומרים בק"ש [בקריאת שמע] שמע ישראל

הוי"ה אלקינו יחוד או"א [אבא ואימא] תרין ריעין כו' ה' אחד יחוד זו"נ [זעיר אנפין ונוקבא].

و این [معنای] «در پیکر پادشاه جذب شدن» است: این مرتبة فرمان‌های توراتی (מצוות, mitzvos) است. و این همان چیزی است که در دعای شِماع (שמע, Shema) می‌گوییم: «بشنو، ای اسرائیل: ה' (Havayah)، اَلקינו است» — اتحاد پدر و مادر (אבא ואמא, Abba v'Imma)، یعنی حکمت (חכמה, Chochmah) و فهم (בינה, Binah)، «دو همراه» و مانند آن؛ «ה' یکی است» — اتحاد صفات عاطفی (ז"א / זעיר אנפין, Z'eir Anpin) و بُعد مؤنث / فرمانروایی (נוקבא, Nukva): מלכות, (Malchus).

בשכמל"ו [ברוך שם כבוד מלכותו לעולם ועד] יחודא תתאה וזהו הכל בחי' יחוד היינו כשנמשך למטה והיו לאחדים משא"כ מעשה המצות והיו הדברים האלה אשר אנכי מצוך היום.

«مبارک باد نام جلالی فرمانروایی او تا ابدالآباد» — یگانگی فروتر (יחודא תתאה, yichuda tata'ah). و همه این‌ها جنبه‌ای (בחינה, bechinah) از یگانگی‌اند؛ یعنی هنگامی که به پایین کشانده می‌شود و آن‌ها یکی می‌شوند. اما در اجرای فرمان‌های توراتی چنین نیست: «و این سخنان که من (אנכי, Anochi) امروز به تو فرمان می‌دهم، خواهند بود.»

אנכי הוא בחי' כתר ע"י ودברת במ כי בחי' הדבור בתורה הוא ג"כ מ"ע [מצות עשה].

אנכי مرتبة تاج (כתר, Keser) است، از طریق «و درباره آنها سخن خواهی گفت»؛ زیرا سخن‌گفتن در تورات نیز فرمانی ایجابی است.

23 וזהו אם יתן אیش את כל הון ביתו בחינת ג"ע [גן עדן] העליון ותחתון בחי' חכמה טעמי התורה בוז יבוז לו

و این [معنای] «اگر کسی همه ثروت خانه‌اش را ببخشد» است — مرتبة بهشتِ عدنِ برین و زیرین (גן עדן, Gan Eden)، مرتبة حکمت (חכמה, Chochmah)، دلایلِ تورات — کاملاً خوار شمرده خواهد شد،

שהוא רק בחי' זיו והארה בלבד אבל באהבה ועמך לא חפצתי כו'. שהוא אליו ולא למדותיו למהותו ועצמותו ית':

زیرا آن تنها مرتبه‌ای از پرتو و فروغی بیش نیست؛ اما در عشق: «و جز تو هیچ نمی‌خواهم» و مانند آن؛ عشقی که متوجه خود اوست، نه صفاتش، بلکه به ذات و هستی او، که متبارک باد.

24 וזהו אחות לנו קטנה. פי' כי עתה נקרא זה דודי כו' אבל כשמתעלה למעלה מעלה ע"י המצות במהותו ועצמותו נק' אחותי לשון ולא מאחין איחוי אלכסנדרי.

و این معنای [«ما خواهری کوچک داریم»] است. یعنی اکنون او «این است محبوب من» و مانند آن خوانده می‌شود؛ اما هنگامی که به واسطه فرمان‌ها (מצוות, mitzvos)، بالاتر و بالاتر، به ذات و حقیقت او ارتقا می‌یابد، «خواهرم» (اחותی, achosi) خوانده می‌شود؛ واژه‌ای [هم‌ریشه با] «و پیوند نمی‌زنند» (مأحین, me'achin) و «پیوند اسکندریه» (ایحوی, ichuy).

שהיו לאחדים ממש אשת חיל עט"ב [עטרת בעלה] **ושם נק' בחי' קטנה נקודה חדא. כי כשמקבלת מבחינת חכמה נק' רבה אמונתך**

زیرا آن دو به‌راستی یکی می‌شوند: «زنی توانمند تاج شوهر خویش است»؛ و در آنجا او مرتبه «کوچک»، یعنی نقطه‌ای یگانه، خوانده می‌شود. زیرا هنگامی که از مرتبه حکمت (حכמה, Chochmah) دریافت می‌کند، [این] «وفاداری تو بزرگ است» خوانده می‌شود،

וכמארז"ל [وكمأمر ربوتینو זכרונם לברכה] **אימתי גדול כשהוא בעיר אלקינו היינו שיש השפעות והמשכות רבים משא"כ כשיתעלה בחי' מל' למעלה מעלה להיות עט"ב** [עטרת בעלה] **אז היא בחי' נקודה חדא**

و چنان‌که حکیمان ما، یادشان به خیر، گفتند: «او چه هنگام بزرگ است؟ هنگامی که در شهر اَلْقِنُو است»؛ یعنی هنگامی که تأثیرها و جریان‌های بسیاری وجود دارد. اما هنگامی که مرتبه فرمانروایی (ملכות) بالاتر و بالاتر ارتقا می‌یابد تا «تاج شوهر خویش» شود، چنین نیست؛ آنگاه او مرتبه نقطه‌ای یگانه است.

(וע' ברע"מ [ברע"א מהימנא] **פ' תרומה דף קנ"ח ע"א ואיהי עטרה על רישיה מסטרא דסגולתא) וכידוע שנקודה אחת עליונה כולל כל בחי' התחתונה כמארז"ל** [كمأمر ربوتینو זכרונם לברכה] **רגלי החיות כנגד כולם שוקי החיות כו':**

(و بنگريد به رعيًا مهمنا (رע"מ, Ra'aya Mehemna)، پاراشات تروما (פ' תרומה, Parshas Terumah)، برگ 158a: «و او تاجی بر سر اوست، از سوی سِگولتای (סגולתא, segolta).») و چنان‌که شناخته است، نقطه‌ای یگانه و برتر همه مراتب فروتر را دربرمی‌گیرد؛ چنان‌که حکیمان ما، یادشان به خیر، گفتند: «پاهای حیوت (חיות, Chayos) [فرشتگان عرش] با همه آنان برابر است؛ ساق‌های حیوت...»

25 ושדים אין לה. פי' שעתה נמשך ונשפע למטה בהיכלות דבי"ע ומלכותו בכל משלה משא"כ למעלה

אידי דטריד למיבלע לא פליט אינו נמשך ונשפע כלל:

«و پستان ندارد.» یعنی اکنون [جریان] به پایین، به تالارهای عالم آفرینش (بریا، Beriah)، عالم صورت‌بخشی (יצירה، Yetzirah) و عالم عمل (עשיה، Asiyah) کشیده و افاضه می‌شود، و «فرمانروایی (ملכות، Malchus) او بر همه حکم می‌راند؛ اما در بالا چنین نیست: «چون سرگرم فروبردن است، بیرون نمی‌دهد؛ یعنی اصلاً کشیده و افاضه نمی‌شود.

26 מה נעשה לאחריתנו ביום שידובר בה פי' כי למטה וידבר ה' כו' דבר מלך שלטון

«برای خواهرمان در روزی که از او خواستگاری می‌شود چه کنیم؟» یعنی در پایین، [چنین است:] «و ה' سخن گفت» و مانند آن؛ «سخن پادشاه فرمانرواست»،

היינו שבח"י הדבור פרצוף בפ"ע [בפני עצמו] מנהיג וממשיך לזולתו משא"כ למעלה שידובר בה בחי'

נפעל שהדבור אינו בפ"ע [בפני עצמו] רק בה שאינו נמשך למטה:

یعنی مرتبة سخن (בחינה، bechinah)، پیکربندی (פרצוף، partzuf) مستقلی است که رهبری می‌کند و به دیگران فرومی‌فرستد؛ اما در بالا چنین نیست: «که از او خواستگاری می‌شود؛ این مرتبه‌ای منفعل است که در آن سخن مستقلاً وجود ندارد، بلکه فقط «در او» ست، زیرا به پایین فرود نمی‌آید.



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: -likuteitorah.com/about/the-chassidishe-

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از 3/torah-ohr/noach/fa/likuteitorah.com/

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک